

The Impediments of Transition to Democracy in the Islamic Republic of Iran in the 5th Decade¹

Askari Pourhabib¹, Ali Karimi Mellah², Majid Tavassoli Rokanabadi³

¹PhD., Student in Political Sociology, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. porhabibasgari1@gmail.com

²Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Iran (**Corresponding Author**). Akml10@umz.ac.ir

³Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. tavassoli@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the most important impediments to transition to democracy in the Islamic Republic of Iran in the 5th decade with a futuristic approach. Among different methods of futurology, analysis of the selected process with a qualitative approach was used in this research. The research population was composed of a selection of academic experts in the subject of political transition and the sample size was determined by theoretical consecutive sampling. Data collection instrument was a semi-structured interview that reached theoretical saturation by doing 16 interviews. The results showed that some factors such as structural and normative integrity between the dominant elites, weak civil society, lack of economic prerequisites, and a rentier state are among the most important impediments to peaceful transition to democracy and strengthening that in the 5th decade of the revolution. These obstacles in front of democracy in the 5th decade of the revolution have a social and structural nature that decelerate the process of peaceful advancement to democracy and strengthening that by an accumulative effect on each other as well as on the political structure and cause that transition to democracy in the 5th decade of the revolution does not proceed with an expected speed.

Keywords: Futurology, Process Analysis, Democracy, Obstacles, Islamic Revolution of Iran.

1. Received: 2021-02-23 ; Revision: 2021-01-09 ; Accepted: 2021-06-15

© the authors

<http://se.journal.qom-iau.ac.ir/>

Publisher: Qom Islamic Azad University



پس‌ران‌های گذار به دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم^۱

عسکری پورحیب^۱، علی کریمی مله^۲، مجید توسلی رکن‌آبادی^۳

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. porhabibasgari1@gmail.com

^۲ استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

(نویسنده مسئول). Akm10@umz.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران. tavasoli@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مهم‌ترین پس‌ران‌های گذار به مردم‌سالاری در جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم با رویکرد آینده‌پژوهانه است. در تحقیق حاضر از میان روش‌های مختلف آینده‌پژوهی، روش تحلیل روند برگزیده شده و در روش تحلیل از رویکرد کیفی استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش نیز گزیده‌ای از خبرگان دانشگاهی صاحب‌نظر در موضوع گذار سیاسی هستند که با نمونه‌گیری متوالی نظری به تعیین حجم نمونه پرداخته شد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بوده که با انجام ۱۶ مصاحبه به اشیاع نظری رسید. نتایج نشان داد که عواملی چون انسجام ساختاری و ارزشی بین نخبگان حاکم، جامعه مدنی ضعیف، فقدان پیش‌نیازهای اقتصادی و دولت رانتیر از جمله مهم‌ترین پس‌ران‌های گذار مسالمت‌آمیز به مردم‌سالاری و تحکیم آن در دهه پنجم انقلاب خواهد بود. این پس‌ران‌های مردم‌سالاری در ایران دهه پنجم انقلاب، خصلتی اجتماعی و ساختاری دارد که با تأثیری انباشتی بر یکدیگر و نیز بر ساختار سیاسی، روند پیشروی مسالمت‌آمیز به سوی مردم‌سالاری و تحکیم آن را کند کرده و باعث شده تا گذار به مردم‌سالاری در دهه پنجم انقلاب با سرعت مورد انتظار پیش نرود.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، تحلیل روندها، دموکراسی، پس‌ران‌ها، انقلاب اسلامی ایران.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان «گذار به دموکراسی در ایران با تاکید بر دهه پنجم انقلاب اسلامی»، دانشجوی: عسکری پورحیب، استاد راهنما: علی کریمی مله، استاد مشاور: مجید توسلی رکن‌آبادی، گروه علوم سیاسی، ارائه شده در دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران می‌باشد.

استاد به این مقاله: پورحیب، عسکری؛ کریمی مله، علی؛ توسلی رکن‌آبادی، مجید (۱۴۰۱). پس‌ران‌های گذار به دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم. سپهر سیاست، (۳۱)۹، ص ۹۱-۱۱۲. DOI: 10.22034/sej.2021.1924360.1307

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۱. مقدمه

دموکراسی به منزله نوعی ساخت سیاسی و شیوه حکومت در فرازهایی خاص از تاریخ جوامع بشری تکوین و رشد یافته است. بویژه در نیمه دوم قرن بیستم، اندیشه و عمل دموکراسی خواهی چنان فراگیر شد که بسیاری از کشورها از نظام‌های سیاسی غیر دموکرات در قالب موج‌های دموکراسی به سوی نظام سیاسی دموکراتیک گذار کردند. گذار به دموکراسی و موانعی که در برابر آن قرار می‌گیرند، از مباحث بسیار کلیدی در جامعه‌شناسی سیاسی شناخته می‌شوند. دلیل این امر از آنجایی ناشی می‌شود که دموکراسی مهم‌ترین دستاوردی است که جامعه بشری توانسته است با هدف برقراری نظامی عادلانه و انسانی در حیات سیاسی خود پدید آورد. از این رو در عصر حاضر شاخص اصلی مشروعیت هر نظام سیاسی شناخته می‌شود.

شایان ذکر است که اگرچه روند دموکراسی‌سازی در یک ارزیابی کلی فرآیندی رو به گسترش بود، اما مسیری هموار و یکنواخت را طی نکرده، بلکه با فراز و فرودها و حتی موج‌های بازگشت نیز روبرو شده است.

روند دموکراتیزاسیون با اثرپذیری از چالش‌های داخلی و خارجی، اراده جدی معطوف به مردم‌سالاری و اصلاحات در نظام حاکم، شکل‌گیری دو دستگی در حاکمیت، نقش‌آفرینی مطلوب نیروهای اجتماعی و جامعه مدنی برای اصلاحات سیاسی شروع می‌گردد و در صورت مطلوب بودن اوضاع، احتمالاً روند دموکراسی به درستی پیموده شده و به تثبیت و تحکیم خواهد رسید. با این حال، این احتمال وجود دارد که با فراهم نیامدن وضعیت مطلوب و بالا بودن موانع، شاهد توقف گذار به دموکراسی باشیم.

در این بین مسیر گذار به دموکراسی در ایران با انقلاب مشروطیت آغاز شد، ولی با کودتای ۱۲۹۹ رضاخان متوقف شد. در نهضت ملی کردن نفت، کوشش شد تا به آرمان‌های مشروطیت جامعه عمل بپوشانند که با کودتای ۲۸ مرداد از این راه بازماند. تحکیم و تثبیت مردم‌سالاری با وقوع انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ و تبدیل نظام سلطنتی مشروطه به جمهوری اسلامی، اگرچه مسیری پرنوسان را طی کرد، ولی موانعی سبب گردید تا این مسیر از سرعت مورد انتظار برخوردار نباشد.

با این حال جامعه ایران طی نیم قرن اخیر با سرعت و از جهات مختلف رو به تغییر نهاده است. این تغییرات تحت تأثیر عوامل مختلفی چون گسترش طبقه متوسط، افزایش کمتی و کیفی دانشجویان، گسترش شبکه‌های مجازی، شکاف نسلی، ارتباطات شهرنشینی، جهانی شدن و... صورت گرفته که تغییرات اجتماعی در قشربندهای اجتماعی، تغییر در نظام رفتاری و ارزشی، تغییرات

فرهنگی و... را نیز به دنبال داشته است. علی‌رغم این تغییرات، به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاری‌های کلان تقریباً ثابت مانده و نتوانسته است هم‌گام با تحولات جامعه پیش رود. علاوه بر آن چالش‌هایی، چون نارضایتی‌های سیاسی و فساد اقتصادی، همانند کیفیت پایین خدمات‌رسانی، تورم و بیکاری به صورت قابل توجهی مشروعیت قدرت سیاسی کشور را به خطر انداخته‌اند.

چنین تحولاتی نشان می‌دهد که جامعه ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون به صورت بنیادین متحول شده، که به نظر می‌رسد این تحولات اجتماعی در آینده در عرصه سیاست و بیان خواسته‌های سیاسی، بازتاب‌هایی خواهد داشت که با عنایت به تجربه‌های زیسته سیاسی دیگر جوامع، مطالبات سیاسی ناظر به مشارکت مؤثرتر در حیات سیاسی جامعه با شدت افزون‌تری مطرح خواهد شد.

از این‌رو پرداختن به پیش‌بینی درباره آینده‌گذار به دموکراسی و نیز تلاش برای از میان برداشتن موانع و آسیب‌ها، و نیز شناسایی فرصت‌های موجود به منظور روند مسالمت‌آمیز گذار، از موضوعات مهم جامعه کنونی ایران می‌باشد. چرا که مردم ایران کماکان با مشکلاتی برای برقراری دموکراسی دست و پنجه نرم می‌کنند. در این بین عدم موفقیت حاکمیت در حل معضلات اقتصادی و غیر اقتصادی مردم، مشروعیت حاکمیت را مسأله‌ساز کرده است. در این راستا، موضوع گذار به دموکراسی و پسران‌های آن در آینده نزدیک ایران، بیش از هر زمان دیگری محتمل و تأمل‌درباره آن امری لازم به نظر می‌رسد.

پژوهش حاضر با رویکرد آینده‌پژوهانه از طریق روش تحلیل روندها می‌کوشد تا به شناسایی پسران‌های گذار به دموکراسی در دهه پنجم انقلاب بپردازد. بر این اساس مسئله اساسی در این پژوهش شناسایی مهم‌ترین پسران‌های گذار به مردم‌سالاری در دهه پنجم انقلاب می‌باشد. در زمینه ادبیات پژوهش باید گفت، تاکنون برخی پژوهش‌ها به معرفی موج جدید نظریه‌های گذار به دموکراسی پرداخته‌اند. از جمله:

بشیریه (۱۳۹۴)، در کتابی تحت عنوان «گذار به دموکراسی»، به معرفی موج جدید در نظریه‌های گذار به دموکراسی پرداخته است. وی معتقد است که در موج جدید نظریات، بیشترین تأکید همانا بر نقش نخبگان سیاسی بوده و دموکراتیزاسیون محصول تعامل استراتژیک و مصالحه نخبگان سیاسی است.

قاضی‌مرادی (۱۳۹۷)، در کتاب گذارها به دموکراسی، تلاش کرده است به بررسی نظریات و پژوهش‌های دموکراسی‌سازی طی نیم قرن اخیر بپردازد.

استوار (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان گذار به دموکراسی در ایران با تأکید بر نقش نخبگان

حاکم، نشان داده است که هرگاه نخبگان حاکم در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دو معیار مطرح شده، از انسجام ساختاری و ارزشی بالایی برخوردار بودند، به عنوان مانعی برای وضعیت گذار عمل کردند و هرگاه از انسجام و همبستگی ساختاری ارزشی پایینی برخوردار شدند، زمینه برای گذار حداقلی به دموکراسی فراهم شده است.

قاسمی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان جهانی شدن جنبش‌های اجتماعی و دموکراسی در ایران نشان داد که جنبش‌های اجتماعی از جمله پدیده‌هایی هستند که در دوران جدید، رشد و گسترش زیادی پیدا کرده‌اند، به نحوی که امروزه از این جنبش‌ها به عنوان موتور محرک تحولات عصر جدید یاد می‌شود. طی دو دهه اخیر، همزمان با گسترش ابعاد و شاخص‌های جهانی شدن در همه نقاط دنیا و از جمله در ایران، جنبش‌های اجتماعی در ایران نیز رشد و گسترش زیادی پیدا کرده‌اند. در مجموع نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که فرایند جهانی شدن، بر جنبش‌های اجتماعی ایران موثر بوده و یکی از مهم‌ترین این تأثیرها، تقویت پیوند این جنبش‌ها با یکدیگر بوده است.

وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های قبلی در آینده‌پژوهی روشمند دموکراسی در ایران با کاربست روش روندپژوهی پس‌ران‌های مردم‌سالاری در ایران دهه پنجم انقلاب اسلامی می‌باشد.

۲. روش تحقیق

آینده‌پژوهی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که در برگیرنده مجموعه‌ای از تلاش‌ها برای ارائه تصاویر و بدیل‌هایی از آینده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۷۸). آینده حاصل به هم رسیدن روندها^۱، رویدادها^۲، تصورات^۳ و اقدامات^۴ است (حاجیان، ۱۳۹۱، ص ۸۴). در تحقیق حاضر از میان روش‌های مختلف آینده‌پژوهی، روش تحلیل روند برگزیده شد. ضمن آنکه در روش تحلیل از رویکرد کیفی نیز استفاده شده است. تحقیق کیفی عبارت از مجموعه فعالیت‌هایی چون مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی است، که هر کدام به نحوی محقق را در

-
1. Trends
 2. Events
 3. Imaginations
 4. Actions

کسب اطلاعات دست اول، درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند.

همچنین از دو روش و ابزار برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. ابزار دیگر گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه است. مصاحبه نیمه ساختاریافته که در پژوهش حاضر از آن استفاده شده است، مصاحبه‌ای است که در آن سوالات مصاحبه از قبل مشخص شده و از تمام پاسخ‌دهندگان، پرسش‌های مشابه پرسیده می‌شود، اما آن‌ها آزاد هستند که پاسخ خود را به هر طریقی که می‌خواهند پاسخ دهند (دلاور، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷). متن پیاده شده مصاحبه‌ها با روش تفسیری، تجزیه و تحلیل گردید. در این روش تحلیل، پژوهشگر تا حد امکان، به آشکار نمودن پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه می‌پردازد، که از طریق کدگذاری انجام می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۷، ص ۲۸۱). جامعه آماری پژوهش نیز شامل همه مرتبط با موضوع گذار به دموکراسی و کلیه اساتید دانشگاه که به موضوع پژوهش علاقمند یا دارای تحقیقاتی بوده‌اند، می‌باشد. برای سازماندهی چیش مصاحبه، از نظرات خبرگانی که در زمینه گذار به مردم‌سالاری، تحقیقاتی داشتند، استفاده شده است. تمامی مصاحبه‌ها به صورت شفاهی و از اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور انجام شده است. زمان تقریبی برای هر مصاحبه از ۶۰ تا ۱۱۰ دقیقه متغیر بود. برای تعیین روایی مصاحبه ابتدا پرسش‌های مصاحبه برای تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ارسال و سپس با حذف موارد نارسا، روایی صوری احراز گردید. داده‌های میدانی به کمک مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با پژوهشگران حوزه علوم سیاسی به دست آمد و با انجام ۱۶ مصاحبه با افرادی که از اساتید و خبرگان دانشگاه‌های معتبر کشور بوده و در زمینه گذار به مردم‌سالاری تحقیقاتی داشتند و مصاحبه با آن‌ها میسر بود، به اشباع نظری رسید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش استراوس و کوربین^۱ و هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام شد. در این روش، داده‌های کیفی به دست آمده از مصاحبه‌ها به صورت دستی و با روش کدگذاری در سه مرحله آزاد^۲، محوری^۳ و گزینشی^۴ تحلیل شد. فرآیند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرآیند تحلیل کدگذاری گزینشی، بیشتر مطرح می‌شود. منظور از کدگذاری عبارت

1. Strauss & Corbin
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selective Coding

است از عملیاتی که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند و طی آن نظریه بر اساس داده‌ها تدوین می‌شود (Strauss & Corbin, 1994, P.3).

۳. امواج دموکراسی

در نیمه دوم قرن بیستم، اندیشه و عمل دموکراسی چنان فراگیر شد که در مقاطع مختلف زمانی، بسیاری از کشورها از یک نظام سیاسی غیر دموکراتیک به سوی نظام سیاسی دموکراتیک گذار کردند. از این مقاطع به امواج دموکراسی تعبیر شده است. برخی گذار به دموکراسی را به معنای گذار از حکومت اقتدارگرا به حکومت دموکراتیک می‌دانند (قاضی مرادی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۴).

از نظر هانتینگتون «موج دموکراتیک شدن عبارت است از یک سلسله‌گذارهایی از رژیم‌های غیر دموکراتیک به دموکراتیک که در زمان‌های خاصی صورت پذیرفته و همچنین گذارهای مشخصی را در همان زمان در جهت مخالفت به همراه آورده است» (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص ۱۸). یک نظام سیاسی غیر دموکراتیک ممکن است در سطح سیاسی به چهار نوع بحران مشروعیت، کارآیی، همبستگی طبقه حاکم و بحران سلطه و استیلاء دچار شود (بشیریه، ۱۳۹۴، ص ۶۱). از طرف دیگر، چهار ویژگی و زمینه اجتماعی عمده وجود دارند که می‌توانند بر فروپاشی رژیم غیر دموکراتیک و گذار آن به یک نظام دموکراتیک مؤثر باشند که عبارتند از: نارضایتی عمومی، سازماندهی نارضایتی‌ها، ایدئولوژی مقاومت و مخالفت و رهبران و نخبگان سیاسی (بشیریه، ۱۳۹۴، ص ۶۶-۷۰).

از نظریه‌پردازان قدیمی در این حوزه می‌توان به مارتین لیپست^۱ اشاره کرد. نظریات لیپست در مقاله‌ای^۲ در سال ۱۹۵۹ منتشر شد که در آن درجه خاصی از ثروت یا پیشرفت سرمایه‌دارانه، پیش‌نیاز استقرار دموکراسی است. «هرچه ملتی ثروتمندتر باشد، امکان پایداری دموکراسی نیز در آن بیشتر است. لیپست معتقد است که ثروت اقتصادی موجب توسعه آموزش، ایجاد سطح بالای سواد، گسترش شهرنشینی، تقویت رسانه‌های جمعی و تلطیف منازعات سیاسی می‌گردد و تحقق این شرایط برقراری دموکراسی را به دنبال خواهد داشت.

1. Martin Lipst

2. Seymour Martin Lipset, "Some Social Requisites of Democracy; Economic Development and Political Legitimacy" American Political Science review, 53 (March 1959)

بعدها نظریه‌پردازان دیگری همچون فیلد^۱، هیگلی^۲ و برتن^۳، نسل دوم نظریه‌های گذار به دموکراسی را ارائه دادند. از دیدگاه آن‌ها توجه به نقش نخبگان حاکم در تحلیل رژیم‌های سیاسی، انقلاب‌ها، گذار به دموکراسی و شکست تجربه گذار باید از درجه اول اهمیت برخوردار باشد. از دیدگاه آن‌ها، باید از حد کلی‌گویی‌های نظریه نخبگان قدیم فراتر رفت و نقش و اهمیت انواع ساختارها و صورت‌بندی‌های نخبگان حاکم و رابطه آن‌ها را با ثبات و بی‌ثباتی سیاسی و به ویژه گذار به دموکراسی و یا امتناع آن بررسی نمود (Fild, Higley & Burton, 1990, Vol.28, P.149-182).

از دیدگاه پژوهشگران، گذارهای توفیق‌آمیز به سوی دموکراسی، بر اساس تجربه تاریخی عمدتاً از بالا صورت گرفته‌اند که برای گذار به دموکراسی و استقرار آن در شرایط مبهم و ناپایدار بسیار تعیین‌کننده است، زیرا به واسطه آن امتیازاتی به گروه‌ها یا جناح‌های مسلط و حذف‌ناپذیر اعطاء می‌شود و بدین‌سان ضمانت‌هایی برای کارگزار به دست می‌آید (بشیریه، ۱۳۸۴، ص ۲۴-۲۱). بر اساس این تئوری، دولت رانتی نفتی مانع دموکراتیزاسیون است. مکانیزم تأثیرگذاری دولت رانتی بر روی دموکراتیزاسیون به این ترتیب است که درآمدهای حاصل از رانت از طریق استقلال دولت از گروه‌های اجتماعی، دیوان‌سالاری دولتی، وابسته بودن طبقات اجتماعی، بی‌نیازی دولت به مالیات‌گیری از شهروندان، عدم پاسخ‌گویی دولت به مردم، منجر به تولید و بازتولید قدرت‌گرایی می‌شود (صادیکی، ۱۳۸۰).

نسل سوم ادبیات گذار به دموکراسی تحت عنوان «موج سوم دموکراسی» با نظریه‌پردازی ساموئل هانتینگتون ساختاربندی شد. وی ترکیبی از دو نظریه قبلی را در آراء خود بکار برد که در آن هم بر نقش ساختارها و هم بر نقش نخبگان و کارگزاران سیاسی در فرایند دموکراتیزاسیون تأکید می‌شد. هانتینگتون به جای تأکید بر طبقات و نیروهای اجتماعی به تنهایی و یا ساختار و کردار طبقه حاکمه یا نخبگان سیاسی، توضیح کامل‌تری از فرایند گذار به دموکراسی را در ترکیب این دو نگرش جستجو می‌کند و پیدایش دموکراسی را فرآورده مجموعه پیچیده‌ای از علل و زمینه‌های «اجتماعی» و «سیاسی» می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص ۴۹-۵۰).

هرچند در موج سوم دموکراسی، بسیاری از کشورها به سوی یک نظام سیاسی دموکراتیک گذار

-
1. Fild
 2. Higley
 3. Burton

کردند، اما چنانچه از مفهوم «امواج دموکراسی» برمی‌آید، این حرکت‌ها دارای افت‌وخیز بوده و همواره از موفقیت کامل برخوردار نیست. تاریخ نشان داده است که بازگشت به اقتدارگرایی امکان‌پذیر و گاه وجه غالب تحولات سیاسی کشورهای جهان است.

در سال‌های اخیر این گرایش که دموکراسی در نتیجه عواملی چون رشد اقتصادی و بالا رفتن سطح سواد به وجود می‌آید، به نقد کشیده شده است. در نظریه‌های جدید، این عوامل اگرچه شرط لازم برای دموکرات شدن محسوب می‌شوند، ولی دیگر شرط کافی برای دموکرات شدن نیستند. در تئوری‌های جدید، ترکیب هیأت حاکمه، وزن نیروهای اقتدارگرا و تحول‌خواه در این هیأت، چگونگی تعامل این نیروها با یکدیگر و مسائلی از این قبیل نقش زیادی در گذار به دموکراسی و یا منتفی شدن گذار به دموکراسی در یک نظام سیاسی دارند (بشیریه، ۱۳۹۴، ص ۵۰).

در این میان یکی از بحث‌های اساسی در علم سیاست، ارزش‌های مردم‌سالاری است که که آینده‌پژوهی می‌تواند به عنوان یک دانش ارزش‌بنیاد با بهره‌گیری از تکنیک‌ها و روش‌های خود از جمله روش تحلیل روند در خدمت علم سیاست قرار گیرد. روندها، دربرگیرنده مجموعه رویدادهایی هستند که با یکدیگر سازگاری منطقی دارند، با روندها می‌توان علاوه بر پیش‌بینی رویدادهای آینده، تصاویر آینده را نیز ترسیم کرد. علاوه بر این می‌توان گفت که روندهای تأثیرگذار بر آینده هر حوزه‌ای، بیانگر اقدامات دیگران در آن حوزه است و با آگاهی از روندهای آینده می‌توان اقدامات دیگران را نیز تحلیل و پیش‌بینی کرد (پدرام و جلالی‌وند، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۴-۵). مهم‌ترین موضوع آینده‌پژوهی، ساخت آینده‌های ممکن و محتمل بوده و شرط نخست آینده‌پژوهی باور عمیق به توان نامحدود یک انسان جهت ایجاد آینده‌های گوناگون است. بر این اساس روندهای گذشته به صورت جبری برای آینده تکرار نمی‌شود و انسان، سازنده آینده است (موسوی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۱۵۴-۱۵۷).

در این پژوهش بر اساس مدل ساموئل هانتینگتون در خصوص امواج دموکراسی و با استفاده از روندپژوهی که از روش‌های علم آینده‌پژوهی می‌باشد، و با تبیین دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی و اقتصادی در دوره‌های مختلف پس از انقلاب، پس‌ران‌های گذار به دموکراسی در دهه پنجم انقلاب تحلیل می‌شود.

۴. عمده‌ترین پس‌ران‌های گذار مسالمت‌آمیز به دموکراسی در ایران

برای شناسایی پس‌ران‌های موثر بر آینده دموکراسی در ایران، ضمن بررسی منابع حوزه گذار به دموکراسی، با استفاده از کتاب‌ها، اسناد، مقالات و پیشینه‌های مرتبط و مصاحبه با کارشناسان

مرتبط، ابتدا تعداد ۵۳ پسران بدست آمد که پس از بررسی بنا به نظر اساتید و کارشناسان مرتبط، مولفه‌های مشابه حذف و یا درهم ادغام گردیدند و تعداد ۲۰ پسران به شرح جدول شماره ۱ مشخص شد.

جدول ۱- پسران‌های مورد بررسی

ردیف	عنوان‌های پسران	ردیف	عنوان‌های پسران
۱	انسجام ساختاری و ارزشی بالا در درون نخبگان حاکم	۱۱	فقدان فرهنگ همکاری و کار جمعی
۲	کنترل مطبوعات	۱۲	تحریم و محدودیت حضور در عرصه‌های بین‌المللی و تاثیر منفی در وضعیت معیشتی و پایین آمدن رشد اقتصادی
۳	جلوگیری از گسترش جنبش دانشجویی	۱۳	فقدان احزاب و گروه‌های مستقل
۴	فقدان رهبری مخالف	۱۴	تفسیر سنتی از دین
۵	استفاده از درآمدهای نفتی برای حامی‌پروری	۱۵	گسترش اقتصاد دولتی
۶	دولت رانتیر	۱۶	عدم توسعه‌یافتگی اقتصادی
۷	نیروهای مسلح وفادار به حکومت	۱۷	جامعه مدنی کم توان
۸	درگیری‌های قومی	۱۸	طبقه متوسط ضعیف
۹	تمرکز قدرت	۱۹	نظام اقتدارگرا و نظارت استصوابی شورای نگهبان
۱۰	عدم انسجام اپوزیسیون	۲۰	عدم توزیع مناسب ثروت و ایجاد شکاف‌های اجتماعی

۴-۱. رتبه‌بندی و تعیین ارزش نیروهای پسران‌ها

پس از انجام فرایند مصاحبه، در فاز کدگذاری باز، از بین داده‌های پیاده شده (تبدیل فایل صوتی به متن)، مطالب ارائه شده متناسب با سوال‌های پژوهش استخراج گردید و به عنوان شاهد گفتاری معنادار (نقل قول مصاحبه شونده) تحت عنوان نقاط منفی دوران گذار در جداول مربوطه قرار داده شد. سپس در کدگذاری محوری، کلیدواژه‌ای که متناسب با شاهد گفتاری باشد، بدست آمد. این امر منجر به شناسایی ۲۰ مفهوم کلی شد. پس از آن در کدگذاری گزینشی، کدگذاری محوری در سطحی انتزاعی‌تر ادامه داده شد. در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود. نتیجه کار باید یک مقوله و یک پدیده محوری باشد. در این مرحله مفاهیمی که در کدگذاری محوری به دست آمده، به عنوان مقوله، در یک دسته‌بندی بزرگ‌تر قرار داده شد. به این ترتیب ۶ مقوله از کدگذاری محوری به دست آمد.

۴-۱-۱. کدگذاری گزینشی و محوری

جدول ۲- کدگذاری گزینشی و محوری

مقوله	مفاهیم
انسجام ساختاری و ارزشی در درون اجزای نخبگان حاکم	نیروهای مسلح وفادار به حاکمیت، محافظه‌کاری، نظام پراتورین (اطلاعاتی-نظامی)، انسجام نیروهای حامی حکومت، انسجام هسته سخت قدرت، نظامی‌گری
جامعه مدنی ضعیف و فقدان احزاب مستقل	پراکندگی و عدم برنامه مشخص اپوزیسیون، احزاب حکومتی، جامعه مدنی ضعیف و تحت کنترل، فقدان موازنه قوا میان دولت و جامعه مدنی، شرایط امنیتی کشور
فقدان پیش‌نیازهای اقتصادی، نفت، حامی‌پروری	فقر و وابستگی معیشتی طبقه متوسط به حکومت، انحصار اقتصادی، گسترش اقتصاد دولتی، توسعه نیافتگی اقتصادی، معضلات اقتصادی، دولت رانتیر، قدرت بوروکراسی، اقتصاد دولتی، بخش خصوصی ضعیف

۴-۱-۲. مقوله‌های اصلی و فرعی

با بررسی و تحلیل مقوله‌های به دست آمده، برای فهم منسجم‌تر مقوله‌ها، آن‌ها بر اساس شاخصه‌های موثر در موانع گذار به دموکراسی، به مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی به شرح جدول شماره ۳ تبدیل شد.

جدول ۳- شاخصه‌های موثر در موانع گذار به دموکراسی

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی
سرعت پایین در مسیر گذار دموکراتیک در دهه پنجم انقلاب	۱. انسجام ساختاری و ارزشی بین نخبگان حاکم ۲. جامعه مدنی ضعیف ۳. فقدان پیش‌نیازهای اقتصادی ۴. دولت رانتیر

۵. یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج به دست آمده از مصاحبه با خبرگان مرتبط با گذار به مردم‌سالاری و با عنایت به مقوله‌های فرعی همچون انسجام ساختاری و ارزشی بین نخبگان حاکم، جامعه مدنی ضعیف، فقدان پیش‌نیازهای اقتصادی و دولت رانتیر نشان می‌دهد که پس‌ران‌های مهمی به سوی مردم‌سالاری در جامعه ایران وجود دارد (مقوله فرعی)، که سبب عدم موفقیت گذار دموکراتیک در دهه پنجم انقلاب خواهد شد.

توضیح اینکه، گرچه برخی عوامل ساختاری و دراز مدت زمینه‌های مناسبی برای گذار به دموکراسی در ایران فراهم آورده است، اما از حیث عوامل اقتصادی، سیاسی و کوتاه مدت، موانعی

مهم بر گذار به دموکراسی وجود دارد که باعث شده تا حرکت به سمت دموکراسی با سرعت مورد انتظار پیش نرود. از جمله می‌توان به فقدان پیش شرط‌های اقتصادی و دولت رانتیر، جامعه مدنی ضعیف و انسجام بالای ساختاری و ارزشی در میان نخبگان حاکم اشاره کرد.

۵-۱. فقدان پیش شرط‌های اقتصادی

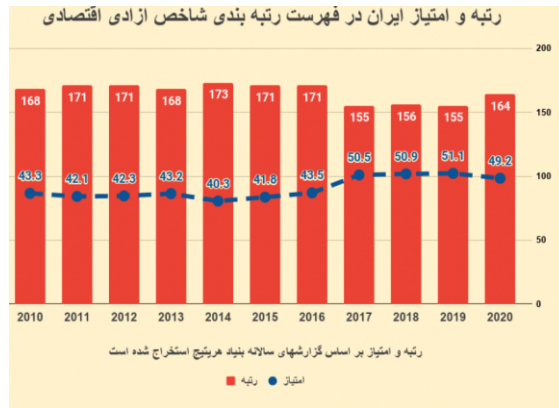
عوامل اقتصادی به عنوان پیش شرط دموکراتیک‌سازی تلقی می‌شوند و برای آغاز دموکراتیک‌سازی، تعیین‌کننده هستند. شرایط نامساعد این فاکتورها مانند عدم آزادی اقتصادی، توسعه نیافتگی اقتصادی، توزیع نابرابر رفاه عمومی و وابستگی شدید به مواد خام و معدنی، نقش بسیار بالایی در ناکامی دموکراتیک‌سازی دارند. ایران در این زمینه‌ها جایگاه ساختاری مناسبی برای گذار به دموکراسی ندارد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازار سنتی در کشور دستخوش دگرگونی‌های قابل توجهی شد. بخش بزرگی از مناصب سیاسی به تصاحب شماری از بازاریان درآمد و در نتیجه دولت به یک واحد سوداگری بزرگ تبدیل شد. به این ترتیب بازار، که زمانی خود از مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی بود، به تدریج به حاشیه کشانده شد. ایجاد واحدهای بازرگانی و دادوستد در وزارتخانه‌ها به تضعیف بازار کمک کرده و تاسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای دولتی، بنیادهای اجتماعی بازار را به شدت متزلزل کرده است.

در این بین بعضی از اندیشمندان معتقدند که «آزادی اقتصادی شرط اصلی آزادی سیاسی است. همین که مردم را آزاد بگذارند که با یکدیگر همکاری کنند، بی‌آنکه اجباری در میان باشد، محدوده اعمال قدرت سیاسی نیز خودبه‌خود محدود خواهد شد. علاوه بر این، همین که قدرت متفرق شود، قدرت بازار آزاد، خودبه‌خود به صورت وزنه‌ای در خواهد آمد که می‌تواند از تمرکز یافتن قدرت سیاسی جلوگیری کند. تمرکز هر دو شکل قدرت سیاسی و اقتصادی در یکجا، تمرکزی است که مطمئناً به بروز زور و استبداد خواهد انجامید» (فریدمن و فریدمن، ۱۳۶۷، ص ۲۳).

به گمان برخی‌ها، بازار آزاد به خودی خود، برای گذار به دموکراسی کافی نیست، بلکه لازم است کشورها از حداقل‌های اقتصادی لازم عبور کرده باشند و در آن سطح یا بالاتر باقی بمانند (Inglehart & Welzel, 2005). بر اساس آخرین رتبه‌بندی بنیاد هریتیج^۱ از آزادی اقتصادی در

جهان در سال ۲۰۲۰، ایران در جایگاه ۱۶۴ در بین ۱۸۰ کشور قرار گرفته و جزء اقتصادهای بسته طبقه‌بندی شده است (Index of Economic Freedom, 2020, P.9).



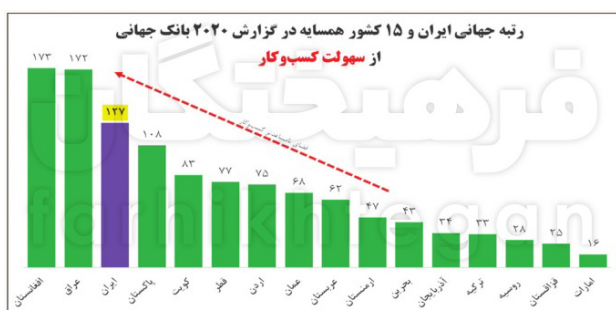
نمودار ۱- رتبه و امتیاز ایران در فهرست رتبه‌بندی شاخص آزادی اقتصادی

همچنین، ایران در میان ۱۴ کشور منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا، در رتبه سیزدهم ایستاده است. در این منطقه، تنها الجزایر با نمره‌ای کم‌تر، جایگاهی پایین‌تر از ایران دارد (Index of Economic Freedom, 2020, P.9).

زمانی می‌توان انتظار دموکراسی داشت که یا سطح برابری بالا باشد یا دارایی‌ها نسبتاً تحرك داشته باشند (بشیریه، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷-۱۳۶). پایین نگاه داشتن رشد اقتصادی که به فقیر شدن قشرها و طبقات متوسط و پایینی جامعه می‌انجامد، می‌تواند به عنوان راهکاری برای جلوگیری از جنبش‌های دموکراسی‌خواه تلقی شود. برعکس، رشد و توسعه اقتصادی متداوم باعث تغییرات اجتماعی گسترده می‌شود و ساختار اجتماعی و طبقاتی جامعه را تغییر می‌دهد. نگاه به وضعیت دموکراسی در ۱۸۳ کشور که توسط بانک جهانی مورد بررسی قرار گرفته است، موید این نکته می‌باشد که اکثر کشورهای «غیر آزاد» و «کمی آزاد»، در مجموعه کشورهای فقیر قرار دارند و غالب کشورهای آزاد از رفاه عمومی بالایی برخوردار هستند. در بررسی صندوق بین‌المللی پول، سرانه تولید ناخالص داخلی ایران به روش PPP^۱ در سال ۲۰۱۹ معادل ۱۷۶۲۲ هزار دلار بوده که

جایگاه مناسبی برای گذار به دموکراسی نیست.^۱

همچنین آخرین گزارش بانک جهانی تحت عنوان سهولت کسب و کار نشان می‌دهد که رتبه ایران در سهولت کسب و کار در سال ۲۰۲۰ بین ۱۹۰ کشور ۱۲۷ بوده است.^۲ در این شاخص رتبه ایران در سطح منطقه تنها از دو کشور عراق و افغانستان بهتر است. متغیرهایی که در گزارش سهولت کسب و کار نقش دارند، همه عوامل داخلی هستند که ارتقای آن‌ها ربطی به تحریم‌های بین‌المللی نداشته و عمدتاً به اراده و خواست دولت وابسته است.



نمودار ۲- رتبه جهانی ایران و ۱۵ کشور همسایه در گزارش سال ۲۰۲۰ بانک جهانی

در زمینه نرخ بیکاری نیز بررسی داده‌های آماری مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در تابستان سال ۱۳۹۸ نرخ بیکاری در ایران به عدد ۱۰/۵ درصد رسیده است. همچنین برای توصیف و ترسیم جایگاه ایران در این شاخص، از آمارهای نیمه اول سال جاری صندوق بین‌المللی پول^۳ استفاده شده که مربوط به ۱۹۲ کشور کوچک و بزرگ است. طبق این آمارها، ایران با نرخ بیکاری ۱۰/۵ درصد، در تابستان ۲۰۱۹ در رتبه ۳۶ جهان قرار دارد.^۴ رتبه‌ای که با وزن بین‌المللی ایران در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و... همخوانایی نداشته و نشان‌دهنده استفاده محدود کشور از توانایی‌ها و توانمندی‌های ملی و بین‌المللی برای کاهش نرخ بیکاری است.

مطالعات اقتصادی در مورد ضریب جینی جامعه ایران در سال‌های اخیر حاکی از آن است که شرایط اقتصادی و اجتماعی در ایران امروز به نحوی است که روزه‌روز بر تعداد افراد حاشیه‌نشین

1. <https://www.eghtesadonline.com/n/24b3>

2. <https://otaghiranonline.ir/news/30838>

3. IMF

4. <https://www.eghtesadonline.com/n/24b3>

و فقیر جامعه افزوده می‌شود. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول متوسط ضریب جینی ایران را در پایان سال ۲۰۱۸، ۰/۴۰۹۳ اعلام کرده است.^۱ طبق این داده‌ها، در پایان سال ۲۰۱۸ ایران با شاخص ضریب جینی ۰/۴۰۹۳، رتبه ۵۰ جهان را به خود اختصاص داده است، یعنی ایران پس از ۴۹ کشور، پنجاهمین کشور با بیشترین نابرابری درآمد است.

در این زمینه نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به آذرماه سال ۱۳۹۸ به ۴۰ درصد رسیده است. نکته منفی اینجاست که سهم بیکاران فارغ‌التحصیل از کل بیکاران، با رشد ۴/۳ درصدی در بازه یک‌ساله همراه شده است. در واقع بیشتر از آنکه سهم فارغ‌التحصیلان در شاغلان افزایش یابد، سهم این بخش از جامعه در بیکاران رشد کرده است. طبق آخرین آمار، معادل ۴۳/۸ درصد از جمعیت بیکار ایران را فارغ‌التحصیلان عالی تشکیل می‌دهند.^۲

همچنین بررسی داده‌های صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که نرخ تورم ۴۰ درصدی در نیمه اول سال ۲۰۱۹ میلادی، ایران را در رتبه پنجم جهان پس از کشورهای ونزوئلا، زیمبابوه، آرژانتین و سودان قرار داده است.^۳ نرخ تورم ۴۰ درصدی ایران در حالی است که در اغلب کشورهای جهان، نرخ تورم یک رقمی بوده و حتی در برخی کشورها همچون قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، نرخ تورم منفی است.

در مجموع تداوم و تضدید بحران‌های اقتصادی که بخشی از آن در بالا ذکر شد، زمینه مناسبی را برای تحکیم و گذار به مردم‌سالاری فراهم نمی‌کند و اتفاقاً می‌تواند باعث اعتراضات جدی شود. در این زمینه بر طبق نظریه لیپست، چنانچه درجه قابل قبولی از توسعه اقتصادی اتفاق نیافتد، انتظار تثبیت و گذار به مردم‌سالاری ممکن نیست.

۲-۵. دولت رانتیر

توسعه اقتصادی گسترده که با صنعتی شدن قابل توجه همراه است، به دموکراسی شدن مدد می‌رساند، اما ثروتی که از فروش نفت به دست می‌آید، چنین خاصیتی ندارد. تعدادی از نظریه‌پردازان معتقدند که ثروت برآمده از منابع طبیعی عامل تقویت اقتدارگرایی و فساد ساختاری و توزیع ناعادلانه منابع و امکانات خواهد بود (Anderson & Aslaksen, 2013, P.89).

1. <https://www.eghtesadonline.com/n/24b3>

2. <https://donya-e-eqtasad.com>

3. <https://akharinkhabar.ir/analysis/5941272>

درآمدهای نفتی که عاید دولت می‌شود، بر قدرت بوروکراسی دولت می‌افزاید، زیرا نیاز آن را به گرفتن مالیات از میان می‌برد و یا آن را کاهش می‌دهد. چنانچه دولتی قادر باشد از طریق توزیع کالا، خدمات و درآمد به صورت ارزان یا رایگان آرای مردم را خریداری کند، نیازی نمی‌بیند که در پی کسب مشروعیت دموکراتیک باشد. در دولت‌های رانتی، به دلیل الگوی توسعه اقتصادی دولت‌محور و اقتصاد رانتی، بخش خصوصی - که می‌تواند یکی از خاستگاه‌های مهم جامعه مدنی باشد - چندان توسعه نیافته و در نهایت وابسته به دولت است، لذا، توان چالش‌گری سیاسی - اقتصادی دولت را ندارد.

ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۲ بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی به دست آورد^۱. با چنین درآمدهای نفتی، دولت بدون اتکاء به اخذ مالیات و بی‌توجه به جامعه و اقتصاد تولیدی، هیچ‌گاه به نقش‌آفرینی جامعه مدنی نیازی نمی‌بیند و این بی‌نیازی را با ابزار نفت، به پوپولیسم تبدیل می‌کند. به نظر می‌رسد اقتصاد رانتی با تاکید بر مصرف‌گرایی و سرمایه‌گذاری وابسته، سبب شکل‌گیری گروهی قدرتمند و بهره‌مند از منابع نفتی می‌شود که در پناه دولت ایدئولوژیک و رانتی در مقابل هرگونه تلاشی به منظور دموکراتیزاسیون می‌ایستد.

به طور کلی ساختار اقتصاد رانتی با تکیه بر دولت ایدئولوژیک، جامعه توده‌ای و ابزارهای حامی‌پروری با افزایش انسجام ساختاری و ارزشی نخبگان حاکم، به تقویت اقتدارگرایی می‌انجامد. کمک به گسترش رقابت و شفافیت در میدان اقتصادی، فراهم کردن بستر قانونی شکل‌گیری نهادهای اقتصادی متکثر و بین‌المللی شدن روابط اقتصادی داخلی می‌تواند در تضعیف اقتصاد رانتی موثر باشد.

۳-۵. انسجام نخبگان حکومتی و جامعه مدنی ضعیف

یکی از عوامل بسیار مهم در پیشبرد مردم‌سالاری، وجود جامعه مدنی با حضور انجمن‌ها، نهادهای مدنی، احزاب، کنشگری آگاهانه و فعالانه، پابندی آن‌ها به اصول دموکراتیک و روابط افقی در بین بازیگران مدنی است. برخی بر این باورند که انسجام در میان نهادهای مدنی، استمرار در بین تقاضاها و عملکرد دموکراتیک، توانمندی بالای بسیجی و اطلاع‌رسانی توسط آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در تحقق و استمرار دموکراسی داشته باشد (Kamrava & More, 1998, P.895).

1. <https://tejaratnews.com/training>

نهادهای مدنی در ایران، وضعیت مناسبی ندارند. اتحادیه‌های صنفی یا وجود ندارند و یا بسیار ضعیف هستند. در ایران، محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از تحقق تغییرات سریع مدنظر کنشگران جدید و نوگرا جلوگیری می‌کند. مقدس بودن حکومت، سدّ مهمی در مقابل جامعه مدنی بوده است. این امر وجود نهادهای مدنی را به عنوان مخل دیانت، سنت‌ها و وحدت ملی تلقی کرده است. لذا، از نقش‌آفرینی آن‌ها در ایجاد و پیشبرد دموکراسی جلوگیری کرده و دست به سرکوب زده‌اند.

نخبگان سیاسی نقش انکارناپذیری در دموکراتیک‌سازی هر جامعه‌ای دارند. به باور صاحب‌نظران، وجود استحکام ساختاری و ارزشی در میان نخبگان سیاسی، مهم‌ترین شرط گذار دموکراتیک است (لیپست، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹۹). به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، نخبگان سیاسی در درون ساخت قدرت در ایران، مجموعه‌ای یکپارچه نیست.

نخبگان حامی، خود را جزئی از نظام می‌دانند و نظام هم این گروه را کاملاً خودی تلقی می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶). گردش مستمر قدرت و پست‌های حکومتی بین نخبگان وفادار به حکومت که در این فرآیند جایی برای نخبگان منتقد نیست، لذا، چرخش نخبگی حداکثر به شکل جابجایی پست‌ها بین نخبگان ثابت وفادار به حکومت بوده است. در مجموع، این گروه از نخبگان به دلیل وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی به حکومت، تمایلی به همکاری با جریان‌های دموکراسی‌خواهی نداشته‌اند و به عنوان همکار حکومت عمل کرده‌اند تا از رهگذر همکاری‌های سیاسی به منافع حکومتی برسند.

یکی از ملزومات گذار به دموکراسی، شکاف در حاکمیت و نخبگان حکومت و نیز برقراری پیوندهای قابل توجه بین نخبگان اصلاح‌طلب در حاکمیت و اصلاح‌طلبان در عرصه جامعه مدنی است، این ضرورت برای گذار به دموکراسی در ایران شکل نگرفته است. نهادهای مدنی در ایران حتی اگر توسط شخصیت‌های معتبر حمایت شوند، از یک‌سو به دلیل سیاست‌های محدودکننده و از سوی دیگر به دلیل کمبود امکانات (مالی، زمان، پرسنل) نمی‌توانند نقش زیادی ایفا کنند. به نظر می‌رسد مشکل این است که جامعه هنوز واجد نهادهای مدنی و صنفی مستقل نیست، تا جامعه مدنی قدرتمند پدید آید. در مجموع، انسجام نسبتاً محکمی بین نخبگان حکومتی، یک عامل مهم در تداوم نظام سنتی و مقاومت آن در مقابل جریان‌های سیاسی دموکراسی‌خواه بوده است.

همچنین بر اساس تازه‌ترین گزارش از وضعیت دموکراسی در جهان که از سوی «واحد

اطلاعاتی اکونومیست»^۱ و خانه آزادی^۲ منتشر شد، جمهوری اسلامی ایران با رتبه ۱۵۰ در پایین جدول قرار گرفته است. رتبه‌بندی‌های شاخص دموکراسی در این گزارش بر پنج مقوله بنا شده است: روند انتخاباتی و تکثرگرایی، آزادی‌های مدنی، عملکرد میزان مشارکت سیاسی در دولت و فرهنگ سیاسی. با در نظر گرفتن این معیارها، جمهوری اسلامی ایران در این گزارش با رتبه صدوپنجاهم در میان کشورهای جهان، در منطقه خاورمیانه نیز دارای یکی از بدترین رتبه‌های شاخص دموکراسی است.^۳

جریان‌های سیاسی نیز در ایران کم و بیش فاقد دموکراسی درونی بوده و سیاست در درون آن‌ها به شدت فردی است و حزب‌بازی برای انحصار قدرت افراد می‌باشد. منش یا عادت‌واره جمع خودی در جریان‌های سیاسی، اغلب به راهنمای یک رفتار جمعی تبدیل شده است و در بعضی از موارد این منش یا عادت‌واره جمعی چنان درونی شده که آن‌ها توان فهمیدن افراد خارج از جمع خود را ندارند و افراد بیرونی نیز قادر به فهم این منش و عادت‌واره نیستند (افتخاری، ۱۳۸۰، ص ۲۷۳). معمولاً شخصیت‌های سیاسی یا شبکه‌های حامی‌پرور، بر این احزاب تسلط دارند. این شخصیت‌ها نیز فاقد ابتکار و فعالیت موثر و نوآوری هستند. این نخبگان توان ایجاد احزابی را که بتواند طرح سیاسی مشخص را ارائه بدهند، ندارند.

نبود ساختارهای مدنی قوی و عدم اتمام فرایند دموکراسی باعث گسترش یافتن منازعات و فعال شدن شکاف‌ها در ایران شده است. تشدید این شکاف‌ها شرایطی را به وجود می‌آورد که باعث می‌شود اقتدارگرایی قوت می‌گیرد. استفاده سیاسی از توده‌ها توسط نخبگان حاکم باعث شده که نخبگان رقیب، توان مبارزه برای گذار به مردم‌سالاری را از دست بدهند و خود نیز برای جلب حمایت توده‌ها اسیر پوپولیسم شوند.

مجموعه این عوامل موجب همبستگی ساختاری و ارزشی نخبگان حاکم و هماهنگی آنان در ضدیت با سیاست‌های دموکراسی خواهانه شده است. وجود خصلت پوپولیسم و ضعف جامعه مدنی در ایران باعث می‌شود نخبگان مخالف با شرایط دشواری برای فراهم کردن شرایط گذار به دموکراسی از طریق گفتگو و سازش با نخبگان حاکم روبه‌رو گردند. در نتیجه نزد نخبگان حاکم،

1. EIU

2. Freedom-house

3. <https://www.heritage.org/international>

استفاده از سنت قوام‌بخش حمایت از توده‌ها، مهم‌تر از کار گروهی، حزبی و رقابت آزاد تلقی می‌گردد و همین شیوه می‌تواند به عنوان مانعی بزرگ برای انجام یک‌سری از اصلاحات بنیادی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی باشد.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا پس‌ران‌های گذار به دموکراسی در ایران با رویکردی آینده‌پژوهانه و با اتکاء به روندپژوهی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. سوال اساسی این است که با توجه به دگرگونی‌های وسیع اجتماعی و اقتصادی از شروع انقلاب تاکنون، مهم‌ترین پس‌ران‌های گذار به دموکراسی در دهه پنجم انقلاب چگونه خواهند بود؟ بدین منظور ضمن بررسی توصیفی و دسته‌بندی مقوله‌های احصاء شده با کمک خبرگان علمی از طریق مصاحبه و پرسشنامه نیمه ساختاریافته، نقاط منفی گذار به دموکراسی مشخص شد. سپس از طریق کدگذاری باز، گزینشی و محوری، پس‌ران‌های آتی گذار به دموکراسی استخراج و ارائه گردید.

در یک چشم‌انداز گسترده، کل تحولات ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان به عنوان فرایند تاریخی گذار تدریجی دموکراتیک بشمار آورد. در این دوران، منابع اقتدار در حکومت دستخوش تغییر گردیده و قدرت حکومت به دلیل حضور رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی و افزایش آگاهی جامعه ناشی از افزایش کمی و کیفی تحصیل‌کردگان دانشگاهی، گسترش طبقه متوسط، گسترش ارتباطات، شهرنشینی و جهانی شدن، با چالش روبرو شده و بستر جامعه برای گذار به دموکراسی آماده‌تر گردیده است.

در این بین چالش‌هایی نیز فراروی گذار به دموکراسی در ایران وجود دارد که تحقق گذار دموکراتیک را با موانع مهمی روبرو خواهد ساخت. عوامل اقتصادی به عنوان پیش شرط دموکراتیک‌سازی تلقی می‌شوند و برای آغاز دموکراتیک‌سازی، تعیین‌کننده هستند. شرایط نامساعد این عوامل مانند توزیع نابرابر رفاه عمومی و وابستگی شدید به مواد خام و معدنی، نقش بسیار زیادی در ناکامی مردم‌سالاری در ایران دارند. در این بین درآمدهای نفتی بیشتر عاید دولت می‌شود، در نتیجه بر قدرت بوروکراسی دولت می‌افزاید، زیرا نیاز آن را به گرفتن مالیات از میان می‌برد و یا آن را کاهش می‌دهد. اقتصاد متکی به درآمدهای نفتی مانع از آن می‌شود که فرآیند گذار به دموکراسی در ایران با سرعت مورد انتظار پیش رود.

نبود ساختارهای مدنی قوی باعث گسترش یافتن منازعات در کشور شده است که باعث

تقویت تمرکز و اقتدارگرایی می‌گردد. نیروهای دموکراسی‌خواه پراکنده بوده و احزاب سیاسی با یکدیگر فعالیت‌هایی داشته‌اند، اما این جریان‌ها با افراد به صورت مشترک، تجربه قابل اتکائی ندارند. فعالان منفرد تعدادشان بسیار زیاد است و امکان حضور مستقیم همه آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها برای فعالیت سیاسی، دشوار به نظر می‌رسد. انسجام ساختاری و ارزشی بین نخبگان حاکم، به دلیل جامعه توده‌ای قدرتمند و دولت رانتیر، فرآیند گذار به دموکراسی در ایران را با چالش‌های زیادی روبرو کرده است.

در مجموع می‌توان گفت، از حیث عوامل سیاسی و اقتصادی موانعی مهم بر گذار به دموکراسی وجود دارد که از جمله آن می‌توان به عدم توسعه یافتگی اقتصادی، انسجام بالای ساختاری و ارزشی در میان نخبگان حاکم، پرورش نیروهای حامی پرور به واسطه درآمدهای نفتی اشاره کرد. همچنین ضعف جامعه مدنی، فقدان احزاب مستقل و فقدان پیش‌نیازهای اقتصادی از دیگر عواملی است که سبب شده تا گذار دموکراتیک در دهه پنجم انقلاب با سرعت مورد انتظار پیش نرود.

۷. تعارض منافع

موردی برای گزارش یافت نشد.

منابع

- استوار، مجید (۱۳۹۶). گذار به دموکراسی در ایران با تأکید بر نقش نخبگان. دولت‌پژوهی، ۳(۱۱).
- افتخاری، علی‌اصغر (۱۳۸۰). درآمدی بر خطوط قرمز رقابت‌های سیاسی. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری و نشر فرهنگ گفتمان.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴). گذار به دموکراسی. تهران: نگاه معاصر، چاپ دوم.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴). گذار به دموکراسی، نگاه معاصر. تهران: نگاه معاصر، چاپ پنجم.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵). دیپاچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نگاه معاصر.
- پدرام، عبدالرحیم؛ جلالی‌وند، عباس (۱۳۹۰). آشنایی با آینده‌پژوهی (مجموعه کتابچه‌های آموزشی آینده‌پژوهی). تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری و دفاعی، ج ۷.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- دلاور، علی (۱۳۸۳). مبانی نظری و عملی پژوهش. تهران: رشد.
- صادیقی، لاری (۱۳۸۰). دموکراسی و جامعه مدنی در خاورمیانه. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: روزنامه سلام.
- فریدمن، میلتون؛ فریدمن، رز (۱۳۶۷). آزادی انتخاب. ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی. تهران: انتشارات پارسی.
- قاسمی، علی‌اصغر (۱۳۹۰). جهانی شدن جنبش‌های اجتماعی و دموکراسی در ایران. پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۰.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۷). گذارهای دموکراسی. تهران: نشر اختران.
- لیپست، سیمون مارتین (۱۳۸۱). دائرةالمعارف دموکراسی. ترجمه کامران آقاخانی و نورالله مرادی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- موسوی‌نیا، سید رضا (۱۳۹۶). روش پژوهش آسان در علوم انسانی. تهران: نشر مخاطب.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲). موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم. ترجمه احمد شهسا. تهران: نشر روزنه، چاپ سوم.
- یوسفی، اشکان؛ کشاورز ترک، عین‌الله؛ نهادی، هادی (۱۳۹۸). بررسی تأثیر مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی دفاع مقدس بر آینده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. راهبرد دفاعی، شماره ۱۷، ص ۶۹-۹۶.
- Anderson, J. & Aslaksen, S. (2013). Oil and political Surval. *Journal of Develomat*, No.100.
- Fild, L., Higley, J. & Burton, G. (1990). A New Elite Framework for Political Sociology. *Revue Europeene des science Sociales*, Vol.28, P.149-182.
- Inglehart, R. & Welzel, Ch. (2005). **Modernization cultural change and and Democracy: The Human Development Sequence**. Cambridge United Kingdom: University Press.
- Kamrava, M. & More, F. (1998). Civill Society & Democratizing in comparative: Lation America & the Middle East. *Third World Quarterly*, Vol.19, No.5.
- Strauss, A.L. & Corbin, J.M. (1994). **Basics of qualitative research, techniques and procedures for developing grounded theory**. (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Press.